



حسن روحانی:

هدف دشمن ناامیدکردن ملت ایران از آینده است

گروه سیاست: رئیس جمهوری روز گذشته در مراسم بهره‌برداری از پایانه مسافربری «سلام» فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، اساس جنگ بدخواهان با ملت ایران را جنگ امید یا اراده‌ها دانست و تاکید کرد: هدف نقشه‌های شوم دشمنان...

صفحه ۲

چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۸ | ۱۵ شوال ۱۴۴۰ | ۱۹ ژوئن ۲۰۱۹



روزنامه

محسنی اژه‌ای خبرداد صدرور حکم انفصال ۶۰ قاضی متخلف

گروه سیاست: معاون اول دستگاه قضا گفت: تا آخر اردیبهشت ۸۲۵ پرونده به دادگاه رفت که تعدادی دلال ارزی بودند که در زمان خودش بسیار مؤثر بود. تعدادی از افراد هم دارای موقعیت‌های بالای اجتماعی و اقتصادی بودند...

صفحه ۶

سال شانزدهم | شماره ۳۴۵۴ | ۱۶ صفحه | ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

تراز دی مرگ محمد مرسی

سیدهادی خسروشاهی



خبر درگذشت محمد مرسی، رئیس‌جمهور مصر بعد از انقلاب علیه رژیم مبارک، بررسی دلایل رسیدن حرکت انقلابیون مصر به نقطه امروز را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. محمد مرسی از اعضای قدیمی اخوان المسلمین بود و از جوانی وارد این تشکیلات شد. بعد کم‌کم به «مکتب ارشاد» یا کمیته مرکزی اخوان راه یافت. او به علت فعالیت‌های خود در دوران حسنی مبارک در زندان بود و در آغاز قیام مردمی مصر هم همچنان در بند بود. مرسی در آنجا برای فرار زندانیان سیاسی طرح‌ریزی می‌کند که به موفقیت ختم شده و بعدها یکی از اتهامات او شد. بعد از پیروزی انقلاب قرار بود اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست‌جمهوری مشارکت نکند. دوست قدیمی نگارنده دکتر عبدالمنعم ابوالفتوح که سال‌های زیادی رئیس سندیکای پزشکان قاهره بود و مورد احترام طبقات مختلف و البته عضو «مکتب ارشاد»، پیشنهاد داد اخوان در انتخابات شرکت کند. به دبیر کل این تشکیلات، «مرشد الاخوان» گفته می‌شود و محمد بدیع مرشد اخوان مخالف این امر بود و تاکید داشت در اساسنامه این جمعیت، فعالیت آن خیریه و انسانی ذکر شده و حق دخالت در سیاست را ندارد. به‌همین دلیل اخوانی‌ها حزب آزادی و عدالت را تشکیل دادند تا در انتخابات نامزد معرفی کنند. با آنکه دکتر عبدالفتوح لیاقت و ظرفیت نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری را داشت؛ اما به دلیل همان پیشنهاد فعالیت سیاسی، از اخوان اخراج شده بود. البته خود او تشکیلات سیاسی با عنوان مصر مقتدر به راه انداخت. به هر تقدیر نامزد اولیه حزب عدالت و آزادی خیرت شاطر از میلیاردرها و حامیان مالی اخوان بود که اعلام

عکس: عباس منجی‌گنجانی، ایران

یادداشت

شریعتی؛ غرب‌شناس یا غرب‌ستیز

عصر، یک مبارزه آزادی‌بخش فکری و فرهنگی است برای نجات انسان از منجلاب وقیح سرمایه‌داری و استثمار طبقاتی، نجات عدالت اجتماعی از چنگال خشن و دیکتاتوری مطلق مارکسیستی. «شریعتی»، روشنفکر زمانه و فرزند عصر خویش بوده است و این سخن او مربوط به دوران جنگ سرد سرمایه‌داری در قالب استعمار و سلطه‌طلبی و مارکسیسم در هیئت لنینیسم و به‌ویژه استالینیسم شوروی سابق و دشمن امپریالیسم مطرح بود. امروز دیگر بحثی از امپریالیسم و سوسیالیسم دولتی در میان نیست و جهان و زمان ما سه دهه پس از «شریعتی»، به‌کلی متفاوت از دوران اوست و به همین دلیل، روشنفکران علاقه‌مند به راه و رسم شریعتی باید تبیین و تفسیری متناسب با زمانه از مقولاتی که او مطرح کرده بود، ارائه کنند و راهبردی متناسب با جهان «جهانی‌شده» و شایسته عصر و نسل جدید فراروی آنها قرار دهند. سخن اصلی من در این مقاله، نسبت شریعتی با غرب است و اینکه آیا شریعتی «غرب‌شناس» بوده یا «غرب‌ستیز» یا در میانه غرب‌شناسی و غرب‌ستیزی قرار داشته است؟ اگر ارتباط ایران و غرب را در ۱۵۰ سال اخیر مدنظر قرار دهیم، سه نوع جریان فکری در مواجهه با غرب وجود داشته است:

۱- جریان غرب‌ستا که خواهان غربی‌شدن کامل ایران برای ورود به مدنیت بوده است.

۲- جریان غرب‌ستیز که شامل مذهبی‌ها و چپ‌های مارکسیست-لنینیست و روشنفکران و جریانات سیاسی رادیکال مذهبی می‌شود که به‌ویژه

پس از دهه ۲۰ و ورود اندیشه مارکسیستی در ایران، شدت می‌یابد.

حسین کبیر



۲۹ خرداد هر سال فرصتی فراهم می‌شود تا یادی از زنده‌یاد «دکتر علی شریعتی» بکنیم و به بازخوانی «آموزه‌ها و میراث» او بپردازیم. به‌عنوان یک ایرانی مسلمان که خود را علاقه‌مند و در حلقه جریان «نواندیشی دینی» می‌دانم، بر این باورم که در بررسی جریان روشنفکری ایران، نقش و جایگاه «شریعتی» ویژه است و به تعبیر زنده‌یاد «دکتر حمید عنایت»، در ۱۵۰ سال اخیر، شریعتی از تأثیرگذارترین روشنفکران ایرانی بوده است. اما او پیش و بیش از اینکه یک جامعه‌شناس یا متخصص تاریخ ادیان باشد، روشنفکری دینی است که آموزگار «آزادی، برابری و عرفان» است و در سواد تربیت و ساختن انسانی برخوردار از این سه بُعد، به همین دلیل در نامه‌ای به پسرش «احسان»، می‌نویسد: «تمامی تاریخ به سه شاهراه اصلی می‌پیوندد: آزادی، عدالت و عرفان! نخستین، شعار انقلاب کبیر فرانسه بود و به سرمایه‌داری و فساد کشید؛ دومی، شعار انقلاب اکبر بود و به سرمایه‌داری دولتی و جمود؛ و سومین، شعار مذهب بود و به خرافه و خواب». او در همین رابطه می‌گفت: «اگر روشنفکر، اروپایی باشد، الگوی مثالی‌اش باید پاسکال، مارکس و سارتر باشد و اگر روشن فکر شرقی است، نمودارش بودا، حلاج و مزدک». در راستای چنین رسالتی بود که می‌گفت: «کار اصلی هر روشنفکری در این جهان و در این

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

فردای چهلمین سالروز جهاد سازندگی

توجه کرد و آن را قدر شناخت؛ کارنامه‌ای که باید بر تداوم و توسعه دستاوردهای مثبت آن و نیز بازنگری آنچه که باید اصلاح شود، پای فشردد. با وجود همه افت‌وخیزها و در نگاهی گزرا به دستاوردها در این چهار دهه درمی‌یابیم که بخش کشاورزی توانسته است به موازات توسعه و تکامل جهانی و درمقایسه‌با دیگر بخش‌های اقتصادی کشور، قامتی برافراشته‌تر از بیکر نحیف گذشته خود داشته باشد؛ بخشی که در چیدمانی آغشته به نفت همواره آماج بی‌مهری و کم‌اعتنایی قرار داشته و به نام توسعه و اشتغال‌زایی و از منابع تولید و پایداری آن تا توانسته‌اند بدون رضایتش هزینه کرده‌اند؛ هزینه‌ای که تغییر کاربری بیش از یک‌ونیم میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را می‌توان فقط یکی از اقلام آن برشمرد.

از جمله دستاوردهای قابل‌تقدیر بخش کشاورزی در ۴۰ سال گذشته می‌توان به افزایش میزان تولیدات سالانه از ۲۶ به بیش از ۱۲۰ میلیون تن، سهم ۳۲ درصدی ارزش افزوده تولیدی در کشور که فقط ۱۲ درصد آن به حوزه صنایع تبدیلی اختصاص دارد، افزایش هشت درصدی بهره‌وری از آب، افزایش تولید ناخالص سالانه ملی تا سطح ۷۰ میلیارد دلار، افزایش سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی (GDP) از حدود شش به ۱۰ درصد، افزایش ۱۳۴ درصدی حکمرانی غذایی با وجود ازدیاد ۲۵۰ درصدی جمعیت کشور، افزایش ۲۷۰ درصدی تولید گندم و ۲۲۰ درصدی شکر، افزایش سرانه صادرات از ۱۳ به ۷۱ دلار، افزایش ۱۶۳ درصدی سرانه تولیدات باغی با وجود تغییرات جمعیتی، گسترش ۱۰ برابری سطح گلخانه‌ها، افزایش ۲۰۰ درصدی تولید مرغ و نیز پیشرفت‌های کمی و فناوری در تولید آبزیان و... اشاره کرد.

بدون تردید انگیزه گسترش مشارکت مردمی یا جهاد، در روند دستیابی به این دستاوردها نقشی اساسی داشته است؛ نقشی که پس از ادغام دو وزارت جهاد و کشاورزی این امید را نیز فراهم کرد که دو وجه تعهد و تخصص را نمی‌توان با دیوارهای کاذب تشکیلاتی از هم جدا کرد. امید آن داریم که در یادمان چهلمین سالروز شکل‌فرآگیری به نام «جهاد سازندگی»، ضرورت دمیدن هر چه بیشتر روح جهاد و مشارکت همگانی در توسعه بخش کشاورزی را

بیش از پیش دریافته و در تداوم آن تا دستیابی به حکمرانی در غذا بکوشیم.

عبدالحسین طوطیایی پژوهشگر کشاورزی



رفرم موسوم به اصلاحات ارضی موجب نامعادلات متعددی در مناسبات تولید بخش کشاورزی شد و جامعه روستایی را از همان آغاز دهه ۴۰ دستخوش دگرگونی‌های غیرطبیعی و پرشماری کرد. از طرفی در پی افزایش جهشی درآمد نفت در سال ۱۳۵۲، این‌جامعه ۷۵ درصدی از جمعیت ۳۲ میلیونی کشورمان، آماج آسیب‌های بیشتری هم قرار گرفت. مهاجرت شدید لایه‌های زایا و جوان جمعیت روستایی و تحت تأثیر جاذبه‌های فربنده شهری، بخش کلیدی کشاورزی را بیش از پیش در پشت دیوار قطور درآمد نفت به انزوا برد. به موازات این شتاب فزاینده، حاشیه‌نشینی مهاجران در پیرامون شهرها به فاصله‌های طبقاتی افزود تا دود کارخانه‌هایی که به کمک رسانه‌های توپا، تولیدات خود را جار می‌زدند، به چشم منافع ملی برود.

در چنین ترکیب جدیدی از جامعه شهر و روستا، انقلاب اسلامی با آرمان دستیابی به عدالت اجتماعی، فصل جدیدی را برای تاریخ سرزمینمان رقم زد؛ فصلی که بنا بر آن داشت تا بتواند از عمق نابرابری‌ها بکاهد. فرمان تشکیل ستاد جهاد سازندگی با پیام تاریخی امام(ره) در بیست‌وهفتم خرداد ۱۳۵۸ بیش از هر چیز نشان‌دهنده درک فوریت زدودن فقر و نابرابری از اجزای محروم‌ترین و کلیدی‌ترین بخش اقتصادی یعنی جامعه روستایی بود. تاکید بر همکاری و مشارکت جهادگونه همه مردم در زمینه توسعه روستایی و محو محرومیت در کانون‌های سبزی که با رخشاری زرد زندگی می‌کردند، چه‌بسا محوری‌ترین قرار این پیام به‌شمار می‌آمد. امام خمینی(ره) در این پیام ماندگار به جای استناد و ارجاع به منابع و امکانات دولتی حتی به حذف سفرهای زیارتی مستحب و جایگزینی آن برای کمک به رونق اهداف این ستاد جهادی توصیه کردند.

گرچه رخداد جنگ تحمیلی و تأمین منابع مالی این ستاد از اعتبارات دولتی، این تشکل فراگیر مردم‌نهاد را تا حدودی از روح آن پیام تاریخی جدا کرد و در مسیر تبدیل‌شدن به یک وزارت جدید قرار داد، اما به آنچه تاکنون انجام شده است نیز باید در کارنامه‌ای سرشار از تجربه

تیترها

پرونده بزرگ‌ترین بانک دولتی روی میز مجلس

صفحه ۴

ادامه ماجرای قتل یک متهم سیاسی در زندان

وزیر دادگستری به مجلس می‌آید

صفحه ۶

چه کسی در ماجرای کوی دانشگاه به نظری دستور داد؟

صفحه ۲

آخرین جلسه دادگاه محمدرضا خاتمی برگزار شد

دفاع با استناد به مستندات وزارت کشور و شورای نگهبان

صفحه ۶

مشتریان صندلی برانکو

صفحه ۱۴

قهرمان‌های بازنده

گفت‌وگو با علی‌امیر حداد

صفحه ۸



حرف اول

پرسش‌های باقی‌مانده از یک قتل در زندان فشافویه

کامیاب نوروزی - حقوق‌دان



بعدازظهر روز دوشنبه ۲۷ خرداد خبرگزاری میزان اطلاعیه سازمان زندان‌ها درباره قتل علیرضا شیرمحمدعلی در زندان فشافویه را منتشر کرد. واکنش سازمان زندان‌ها برای توضیح و روشن‌سازی درباره چگونگی وقوع این قتل فجیع در محیط زندان جای قدرانی دارد. اما در این اطلاعیه دو پرسش اساسی و مهم شاید به این دلیل که پاسخ آنها خارج از حدود اختیارات سازمان زندان‌هاست، مبهم و بدون پاسخ مانده است.

به‌طور خلاصه در این اطلاعیه گفته شده است که زندان فشافویه فقط محل نگهداری زندانیان خطرناک نیست و زندانیان جرائم دیگر هم در آن نگهداری می‌شوند و اصل تفکیک زندانیان در این زندان رعایت می‌شود. مقتول علیرضا شیرمحمدعلی در کنار سایر متهمان امنیتی بوده و سایر متهمان و محکومان در کنار او نبوده‌اند. در پایان اطلاعیه نیز گفته شده است «... بلافاصله موضوع قصور یا تقصیر احتمالی مأمورین و مسئولین مجتمع ندامتگاهی تهران بزرگ در دستور رسیدگی قرار گرفته که نتایج آن متعاقبا اطلاع‌رسانی خواهد گردید». که این خود مایه امیدواری است و مناسب است که نتیجه این رسیدگی منتشر شود. بنده‌های ۴ و ۵ اطلاعیه مستقیما درباره نحوه وقوع قتل است که به دلیل اهمیت آنها عینا نقل می‌شوند: «(۴) زندانی متهم به قتل به نام «م.خ» به همراه زندانی دیگر به نام «م.ش»، به دلیل تخلفات داخل زندان، به طور کاملا مجزا در محل مستقل نگهداری می‌شدند. هرچند این محل دارای هواخوری مشترک با محل نگهداری متهمان امنیتی بوده ولیکن نحوه استفاده و دسترسی به هواخوری در ساعات مشخص به‌صورت مستقل صورت می‌گرفته است.

(۵) در روز حادثه، برای رفع ایراد سیستم فاضلاب بهداشتی محل نگهداری دو نفر فوق‌الذکر، نامبردگان به هواخوری هدایت که در همین اثنا با گشوده‌شدن درب محل نگهداری زندانیان امنیتی برای توزیع غذا، متهمان به دلیل حضور در هواخوری از فرصت پیش‌آمده سوءاستفاده نموده و به‌سرعت وارد حریم نگهداری زندانیان امنیتی شده و ظرف مدت زمانی کمتر از دو دقیقه، علیرضا شیرمحمدعلی را مورد ضرب‌وجرح قرار داده که نهایتا با حضور عوامل زندان و انتقال مصدوم به بیمارستان خارج از زندان، اقدامات پزشکی فاقد نتیجه بوده و نامبرده در بیمارستان فوت می‌نماید.

ادامه در صفحه ۴

رجوع به صفحه ۲

شازده کوچولو
le Petit prince
مهد و پیش دبستانی
شازده کوچولو

۸۸۰۹۳۹۰۰ - ۸۸۰۷۶۳۱۴
شهرک غرب، خیابان حسن سیف
کوچه ششم، پلاک ۲۵
Shazdehkuchuloo97

خبر به وقت شرق

به تلگرام شرق پیوندید

@sharghdaily